

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی * سال یازدهم * شماره ۲۱ * بهار و تابستان ۱۴۰۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ * تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵ * صفحات: ۱۱۷-۱۳۷

تحلیل سناریوهای آینده وهابیت معاصر بر محور روش دیتور

محمدباقر پورامینی*

چکیده

این مقاله با بهره‌گیری از مدل سناریوسازی جیمز دیتور به بررسی آینده وهابیت معاصر می‌پردازد. وهابیت به‌عنوان یک مکتب فکری اسلامی، هم تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع مسلمان و غیرمسلمان داشته و هم با چالش‌های جدی مواجه است. هدف پژوهش، ترسیم سناریوهای ممکن، محتمل، مطلوب و نامطلوب آینده وهابیت و شناسایی عوامل کلیدی اثرگذار، به‌ویژه تحولات اجتماعی و فرهنگی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بازتعریف هویت وهابیت و بهبود روابط بین‌مذهبی می‌تواند به شکل‌گیری آینده‌ای مطلوب کمک کند، در حالی که افراط‌گرایی و تداوم تنش‌های مذهبی زمینه‌ساز سناریوهای نامطلوب خواهد بود. مقاله تأکید می‌کند که فهم آینده وهابیت نیازمند راهبردی روشن و مبتنی بر ارزش‌های اصیل اسلامی و اصول علمی است. چنین رویکردی می‌تواند ضمن مهار فتنه وهابیت، از پیدایش بحران‌های فکری و مذهبی جدید جلوگیری کند و برای سیاست‌گذاران و پژوهشگران چارچوبی تحلیلی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، وهابیت معاصر، جیمز دیتور، محمد بن سلمان، سناریوسازی.

مقدمه

وهابی‌گری به عنوان یک جریان مذهبی که ریشه در قرن ۱۲ قمری دارد، همواره مورد توجه و بحث‌های مختلف قرار گرفته است. با توجه به تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در دنیای اسلامی و غیر اسلامی و امتداد این جریان در شکل‌گیری افراط‌گری خشن و تکفیر مسلمانان، سؤالات متعددی درباره آینده این جنبش مطرح می‌شود. مدل جیمز دیتور^۱ (۱۹۷۹م) که بر تحلیل نظام‌های اجتماعی و تغییرات آن‌ها تمرکز دارد، می‌تواند به درک بهتر روندهای احتمالی وهابیت و تأثیرات آن بر جوامع اسلامی و جهانی کمک کند. در این زمینه سؤالات کلیدی ذیل مطرح است:

۱. چه عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌توانند بر تداوم یا افول وهابیت تأثیر بگذارند؟

۲. تحلیل بر اساس مدل جیمز دیتور چگونه می‌تواند به پیش‌بینی تغییرات در ساختار وهابیت کمک کند؟

۳. برای آینده وهابیت در بافت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی چه راهبردی صورت خواهد گرفت؟

مطالعات آینده وهابیت نه تنها به شناخت بهتر این جریان تکفیری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به سیاست‌گذاران و پژوهشگران در تحلیل پدیده‌های مذهبی و اجتماعی در دنیای معاصر یاری رساند.

در این تحقیق از روش جیمز دیتور در تحلیل موضوع استفاده می‌شود. این روش در موضوع آینده‌پژوهی از امتیازاتی برخوردار بوده و بر خلاف برخی روش‌های آینده‌پژوهی که تنها به یک روند یا بعد خاص توجه می‌کنند، دارای تحلیل چندبعدی است و به ابعاد مختلف و تأثیر ترکیبی عوامل می‌پردازد.

وهابیت به عنوان یک جریان مذهبی و فکری با ویژگی‌ها و تأثیرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در دنیای معاصر مطرح است. در نیم قرن اخیر، این جریان به شکل‌گیری تکفیرگرایی و افزایش افراط‌گرایی و خشونت‌های مذهبی دامن زده و بنابراین شناخت روندهای آینده آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحلیل این روندها می‌تواند به

1. James Dator

روشن‌سازی گرایش‌های سیاسی و تنش‌های احتمالی در جهان اسلام کمک کند. با توجه به ارتباط و هابیت با برخی از تحولات مهم اجتماعی و فرهنگی، بررسی تأثیر این جریان بر رفتارهای اجتماعی و تغییرات فرهنگی ضرورت دارد. این بررسی‌ها می‌توانند به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود کمک کنند و نقشی مؤثری در توسعه و پایداری جوامع اسلامی ایفا نمایند.

در این راستا، هدف این تحقیق تحلیل سناریوهای آینده و هابیت بر محور مدل جیمز دیتور است. این مدل به ما کمک می‌کند تا ضمن درنگ در مشکلات و چالش‌های جاری و پیش‌رو، بحران‌های احتمالی آینده را پیش‌بینی کرده و راه‌حل‌هایی برای بهبود وضعیت ارائه شود. در این زمینه سؤالاتی مهمی نیازمند پاسخ‌دهی است که در چه شرایطی و هابیت ممکن است افول یا تقویت شود و پیامدهای این وضعیت چه خواهد بود. همچنین، به بررسی این نکته که چگونه می‌توان از داده‌های موجود برای پیش‌بینی چالش‌های احتمالی و همچنین فرصت‌های مواجهه استفاده کرد. در نهایت، تلاش بر این است که آینده‌پژوهی و هابیت با استفاده از روش جیمز دیتور به درک عمیق‌تری از تحولات آینده کمک کند و به تدوین راهبردهای مؤثرتری برای مواجهه با چالش‌های پیش‌روی جوامع اسلامی منجر شود.

در زمینه آینده‌پژوهی و هابیت، چند اثر مکتوب و محدود به رشته تحریر درآمده است که به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. یکی از این آثار، فصل مستقلی است که نویسنده آن در کتاب بنیاد تفکر سلفی با عنوان «آینده سلفی‌گری» به آینده‌های محتمل، ممکن و مطلوب این فرقه اشاره کرده است. همچنین، در کتاب *Wahhabism: A Critical Study* نوشته Svitlana H، ضمن اشاره به انتقادات داخلی و خارجی از هابیت و بیان چالش‌ها و تغییراتی که این جریان در دنیای معاصر با آن مواجه است، به آینده و هابیت می‌پردازد و سناریوهایی برای تغییر و احتمالات تطبیق این مذهب با شرایط جدید اجتماعی و سیاسی ارائه می‌دهد. این کتاب همچنین سناریوهایی برای تغییر و احتمالات تطبیق این مذهب با شرایط جدید اجتماعی و سیاسی پیشنهاد می‌دهد. مقاله «واکاوی آینده اسلام سلفی-وهابی-تکفیری در عربستان سعودی» اثر آقایان محمدی و خرمشاد با روش‌های تحلیل روند، دلفی دو مرحله‌ای و پانل خبرگان،



مهم‌ترین روندهای حاکم بر اسلام سیاسی وهابی-تکفیری در عربستان را شناسایی و نیروهای پیشران کلیدی تعیین شده است. با این حال، نوشتار حاضر به تحلیل و بررسی سناریوهای چهارگانه آینده وهابیت با تکیه بر روش جیمز دیتور می‌پردازد و تلاش دارد به درک بهتری از تحولات آتی این فرقه دست یابد.

مفهوم‌شناسی

وهابی‌گری معاصر

وهابیت یک مکتب فکری برخاسته از افکار محمد بن عبدالوهاب (م ۱۲۰۶ق) است که پیشگام شکل‌گیری یک جریان افراطی و تکفیری در جهان اسلام است و با عهده‌داری یک منطقه جغرافیایی مهم در جهان اسلام و قدرت سیاسی و نظامی آل سعود به ترویج افکار مورد نظر خود پرداخت و زمینه شکل‌گیری بسیاری از جریان‌های تکفیری را فراهم کرد. از این رو امروزه می‌توان وهابیت را به عنوان مهم‌ترین جریان تکفیری عصر حاضر دانست. اسلام ترسیمی از سوی آنان، نه تنها جذابیتی نداشته، بلکه سبب دوری از آن و مقدم کردن هر نحله‌ای بر دین اسلام می‌شود.

یکی از محورهای وهابیت، گسترده‌گی افراط‌گرایی و تأثیرات منفی آن بر امنیت مسلمانان است که این امر از آغاز پیدایش آنان تا دهه‌های اخیر با تحولات اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی گره خورده است.

یکی از اضلاع روند اصلاحات محمد بن سلمان، محدود کردن حوزه عملکردی وهابیت در حکمرانی است و ضمن تلاش برای ایجاد فضای باز برای زنان و جوانان به بهانه گردشگری و جذب توریست، اختیارات هیأت امر به معروف و نهی از منکر را محدود کرد و اعلام نمود که به دنبال حاکم کردن اسلام میانه‌رو در عربستان است. همو واقف است که برای توجیه اقدامات خود نیاز به قدرتی مشروعیت‌بخش دارد و دین در دنیای امروز مهم‌ترین قدرت مشروعیت‌بخش و حتی توجیه‌گر برای اقدامات اصلاح‌گرایانه خواهد بود. آل سعود همواره اقدامات خود را با یک فتوای «هیأت کبار العلماء» مشروع می‌کند و راحت‌تر این اقدامات در جامعه عربستان پذیرفته می‌شود. از سویی وهابیت رسمی و درباری که با جامیه یا مدخلیه معروف است، به شدت به دنبال

حفظ قدرت و منفعت هستند و منفعت آن‌ها زمانی تأمین می‌شود که در خدمت پادشاه سعودی باشند.

وهابیت معاصر درباری با سیل اصلاحات بن سلمان مواجه شده که بر خلاف عقاید آن‌هاست و در برابر این معمای پیچیده «مقابله یا همراهی» روبروست. اما به نظر می‌رسد وهابی‌ها با سیاست‌های محمد بن سلمان که موجودیت آن‌ها را به خطر انداخته، همراهی خواهند کرد و می‌توان اذعان داشت همچون تحولات گذشته، در این مقطع نوسازی نیز شاهد کوتاه‌آمدن‌های متعدد وهابیت در برابر آل سعود هستیم و به واقع وهابیت امروز به لحاظ سیاسی به شدت سازش‌کار و به لحاظ اجتماعی بسیار محافظه‌کار شده‌اند و تبدیل به دستگامی برای توجیه اقدامات بن سلمان سعودی شده است.

آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی^۱ شامل مجموعه‌ای از تلاش‌ها است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و ثبات، به تصویرسازی آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد. از این‌رو، آینده‌پژوهی دانشی است که مبتنی بر احتمال و امکان تغییر حال به منظور ایجاد آینده‌ای دلخواه و مطلوب تلقی می‌شود.

مطالعات آینده‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه علمی، نه با هدف پیش‌بینی قطعی، بلکه با تمرکز بر شناسایی و تحلیل آینده‌های محتمل و ممکن شکل گرفته است. این دانش با بهره‌گیری از روش‌هایی مانند تحلیل روند، سناریونویسی و مدل‌سازی، در پی ایجاد آمادگی برای رویدادهای غیرمنتظره و طراحی راهکارهای بهینه برای دستیابی به آینده‌ای مطلوب است.

در منظومه فکری اسلامی، اگرچه آموزه‌های دینی شامل اشاراتی به حوادث آینده هستند، اما این امر لزوم مطالعه و برنامه‌ریزی فعال برای آینده را نفی نمی‌کند. برعکس، تأکید بر مفاهیمی چون عاقبت‌اندیشی و دوراندیشی در متون دینی، لزوم توجه به آینده و نقش فعال انسان در شکل‌دهی به سرنوشت خویش را مورد تأکید قرار می‌دهد.^۲ از منظر

۱. Futures Study.

۲. رعد: ۱۱؛ حج: ۴۱؛ مجادله: ۲۱؛ صافات: ۱۱۷۱ - ۱۷۳؛ یوسف: ۲۱؛ نهج البلاغه، نامه ۵۳.



اسلامی، انسان با بهره‌مندی از اراده و اختیار، می‌تواند در کنار عوامل معنوی، در تحقق آینده‌ای خاص مشارکت داشته باشد.^۱

در نتیجه، آینده‌پژوهی به‌عنوان یک فرآیند نظام‌مند، با ترکیب تحلیل الگوهای گذشته و تصویرسازی آینده‌های ممکن، بستری برای برنامه‌ریزی و معماری آینده فراهم می‌سازد.

آینده‌پژوهی با استفاده از روش‌هایی نظیر تحلیل روند، مدل‌سازی، دلفی و سناریوسازی، به بررسی آینده می‌پردازد. در این نوشتار، سناریوسازی چهارگانه دیتور به‌عنوان روشی کلیدی در نظر گرفته می‌شود. سناریوها امکان تجسم آینده‌های ممکن را فراهم می‌آورند، زیرا سناریوسازی توصیف داستان‌گونه‌ای از پیش‌بینی‌های تخیلی در عین حال واقع‌گرایانه از رویدادهای ممکن و احتمالی است.^۲ با این وجود، برخی از معایب سناریونویسی شامل عدم قطعیت در پاسخ‌ها، عدم ارائه یک پاسخ واحد برای هر تصمیم، کلی‌نگری بیش از اندازه، کیفی بودن عموم روش‌ها، عدم تناسب با متغیرهای کمی و زمان‌بر بودن فرآیند هستند که باید مدنظر باشد.

سناریوهای دیتور

جیمز آلن دیتور^۳ یکی از پژوهشگران برجسته در حوزه آینده‌پژوهی است. او به دلیل توسعه و ترویج مدل‌ها و روش‌هایی برای تحلیل و پیش‌بینی آینده در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، محیط‌زیستی و فناوری شناخته شده است. مدل او برای تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به ما کمک کند تا آینده‌ها و هابیت را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد و در این راستا می‌توان از شیوه‌ها و چارچوب‌های تجزیه و تحلیل او استفاده کرد.

در نگاه دیتور در طراحی و تدوین سناریو، باید از چهار الگوی کلی بهترین حالت ممکن، بدترین حالت ممکن، حالت بدون تغییر و حالت خارج از چارچوب بهره جست.

۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۶۱؛ مطهری، مرتضی، اسلام و سرنوشت، ص ۹۷، ۴۳.

۲. پدram، عبدالرحیم و همکاران، آینده‌پژوهی: مفاهیم و روش‌ها، ص ۱۰-۹.

۱. در بهترین حالت ممکن، رشد مداوم مدنظر است؛ یعنی جریان یا سازمان به سمتی که مایل است حرکت می‌کند و شرایط برای حرکت جریان در مسیر خود جاری است.

۲. در بدترین حالت ممکن، فروپاشی قابل تصویر است؛ یعنی شرایطی که همه چیز بد پیش می‌رود و این آینده، نتیجه شکست رشد مداوم است.

۳. در حالت بدون تغییر، وضعیت با ثبات مراد است؛ زمانی که روندهای حاکم بر مجموعه به صورت خطی ادامه می‌یابد.

۴. در حالت خارج از چارچوب، دگرگونی و انتقال مدنظر خواهد بود؛ یعنی وقتی که پدیده‌های حیرت‌آور و شگفت‌انگیز مادی یا معنوی ظاهر و سبب تغییرات می‌شود. در واقع، جیمز دیتور، الگوی تدوین سناریوها را در قالب چهار سناریو طراحی می‌کند. هرچند او این الگو را در محیط اقتصادی و به ویژه مدیریت و پیشرفت اقتصادی مطرح کرده است؛ اما می‌توان از این الگو برای عرصه فرهنگی و اجتماعی نیز بهره برد. با پیروی از این الگو، می‌توان تصویری از بهترین حالت ممکن، بدترین حالت ممکن، حالت بدون تغییر و حالت خارج از چارچوب به دست آورد.^۱ البته در چهار الگوی مورد اشاره، پیشران‌ها و موانع نیز مورد توجه است؛ رویدادهای بالقوه‌ای که حوادث و اتفاقات آینده را شکل می‌دهند.

چهار سناریو در آینده وهابیت

با توجه به رویکرد جاری حاکمان سعودی، می‌توان آینده وهابیت را بر اساس چهار سناریوی جیمز دیتور و تأثیرات این رویکرد به تفکیک زیر بررسی کرد:

سناریوی ممکن: وهابیت اصلاح‌شده تحت تأثیر اصلاحات بن سلمان

در سناریوی ممکن،^۲ با پیاده‌سازی اصلاحات اجتماعی و اقتصادی محمد بن سلمان، وهابیت به صورت اکراهی تلاش کند با فاصله‌گیری از برخی از اصول خویش، به سمت یک جریان فکری مدرن‌تر و همگرا حرکت کند. بن سلمان با تأکید بر حفظ ثبات

۱. بهاری، مجتبی، مجموعه کتابچه‌های آموزشی آینده پژوهی: کتاب سوم: روش سناریو، ص ۴۱؛ جاویدی، رقیه و بهروزی لک، غلامرضا، سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان، ص ۹ - ۱۳

2. Best-Case Scenario.



اجتماعی و اقتصادی، با تقویت ارزش‌های تساهل و همزیستی و روند سکولار شدن جامعه، تلاش می‌کند تا وهابیت را به‌عنوان یک نیروی مثبت، سازنده و همسوی با تحولات در دنیای اسلام معرفی کند.

الف: پیشران‌ها:

اول: تلاش‌های بن سلمان در قالب اجرای برنامه‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰ که به گسترش پروژه‌های فرهنگی، اجتماعی، هنری و گردشگری می‌انجامد.

دوم: فشارهای اجتماعی و بین‌المللی و همچنین خواسته‌های نسل جوان نوخواه و تأکید بر مدرنیته و اصلاحات که موجب ایجاد تغییرات می‌شود. سکولار شدن جامعه عربستان و افزایش دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، ممکن است باعث کاهش تأثیرات بنیادگرایانه و استقبال بیشتر از دیدگاه‌های لیبرال‌تر و مدرن‌تر شود.

سوم: همکاری با شخصیت‌های دینی و فرهنگی که خواهان تغییرات مثبت در داخل وهابیت هستند. ممکن است وهابیت تحت فشار نیازهای جدید جامعه و جوانان، مجبور به تغییر در مبانی و دکترین‌های خود باشد. این تغییرات می‌توانند شامل پذیرش دیدگاه‌هایی بیشتر در زمینه حقوق اجتماعی و فرهنگی باشند.

ب: موانع

اول: ایستادگی از سوی گروه‌های وهابی غیر درباری که به اصول سنتی پایبند هستند و تغییرات را تهدید می‌دانند.

دوم: چالش‌های اجتماعی و سیاسی که در زمینه پیاده‌سازی سریع اصلاحات، محدودیت‌های عملی ایجاد می‌کند.

سوم: نوسانات اقتصادی که ممکن است بر انواع اصلاحات اجتماعی و فرهنگی حاکمان سعودی تأثیر منفی بگذارد.

سناریوی محتمل: موج جدید افراط‌گرایی وهابی

در سناریوی محتمل^۱ فرض بر این است اگر اصلاحات بن سلمان با نارضایتی‌های اجتماعی یا مقاومت شدید طیف‌های غیرحاکمیتی وهابی مواجه شود، ممکن است

1. Worst-Case Scenario.

موج جدیدی از افراط‌گرایی وهابیت به دلیل واکنش‌های منفی به این تغییرات شکل گیرد. این فرآیند می‌تواند به بحران‌های جدی در سطح اجتماعی و بین‌المللی و افزایش تنش‌ها بین مذاهب و وهابیت منجر شود.

الف: پیشران‌ها

اول: واکنش منفی بخشی از جریان‌های مذهبی و وهابیت غیر درباری به سیاست‌های سکولار و اصلاحات که به افزایش نارضایتی اجتماعی منتهی می‌شود.
دوم: بحران‌ها و وضعیت اقتصادی نامناسب که به این افراط‌گرایی دامن خواهد زد.
سوم: حمایت‌های سیاسی و مالی جمعی از شاه‌زادگان و برخی از سرمایه‌داران سعودی و نخبگان فرهنگی از وهابیت سنتی تندرو که با تلاش‌های حکمرانان جوان سعودی مخالفت دارند.

ب: موانع:

اول: واکنش‌های بین‌المللی و تداوم فشارهای دیپلماتیک بر روی عربستان به دلیل تبعات و آثار افراط‌گرایی وهابیت که پیشتر امتداد بین‌المللی داشته است.
دوم: واکنش جنبش‌های اجتماعی سکولار که به دنبال بهبود وضعیت نسبت به بازگشت افراط‌گرایی وهابیت واکنش نشان خواهند داد.
سوم: ناامنی و بحران‌های داخلی که موجب بی‌ثباتی می‌شود. با توجه به انشقاقات و تنش‌ها در درون وهابیت، ممکن است با ظهور گروه‌های جدید با رویکردهای متفاوت، به رقابت میان ایده‌ها و تفسیرهای مختلف منجر شود.

سناریوی ثبات و عدم تغییر: وهابیت به منزله یک مکتب سنتی

در سناریوی مطلوب^۱ وهابیت بدون تغییرات عمده و ریشه‌ای، در چارچوب سنت‌های خود باقی می‌ماند، اما تحت تأثیر اصلاحات بن سلمان، فضای بیشتری برای گفت‌وگو و همزیستی فراهم می‌کند. این حالت ممکن است به کاهش تنش‌های بین‌مذهبی منجر شود، اما در عین حال از تضاد و تحمل‌های افراطی نیز پیشگیری می‌کند.

1. Stabilized Scenario.

الف: پیشران‌ها

اول: تداوم حفاظت از اصول سنتی وهابیت به دلیل پایبندی بخشی از جامعه مذهبی و سیاسی به اصول اولیه مذهبی محمد بن عبدالوهاب و رویکردهای اولیه مذهبی که از طرف وهابیت مورد تأکید است.

دوم: تلاش حکمرانان عربستان در حمایت از نظام مذهبی حاکم به تعهدی که دولت سعودی از آغاز شکل‌گیری نظام پادشاهی در حمایت از افکار وهابیت داشت.

سوم: نظم و پیوستگی در ساختار حاکمیتی سعودی که از رخدادهای غیرمترقبه جلوگیری می‌کند.

ب: موانع

الف: انتقاداتی که به دلیل تعالیم افراطی وهابیت در سطح بین‌المللی به وجود می‌آید.

ب: بیداری در میان نخبگان و نسل نو و ظهور گفتمان‌های جدید فکری که به چالش‌های وهابیت و رویکردهای سنتی آن می‌پردازند.

ج: تحولات و خواسته‌های اجتماعی که ممکن است زندگی مذهبی را تحت تأثیر قرار دهد.

سناریوی دگرگونی: واگرایی وهابی

سناریوی دگرگونی^۱ شامل ایجاد تغییرات اساسی در پذیرفته شدن ایده‌ها و نظریات جدید در دنیای اسلام و واگرایی از وهابیت است. در این حالت، تحولات اجتماعی و برنامه‌های سکولار بن سلمان می‌تواند به ظهور جنبش‌های غیر وهابی، بسط و امتداد مکاتب اشعری و ماتریدی در جامعه سعودی و پیدایش مکاتب جدید اسلامی منجر شود به گونه‌ای که گفتمان‌های انتقادی و گاه متأثر از عقلانیت شیعه نیز شکل گیرد و در نهایت وهابیت را به حاشیه براند.

الف: پیشران‌ها

اول: آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ای برای شکل‌گیری نسل جوان با رویکردهای مختلف فکری و تقاضا برای تفکرات نوین و تطبیق آن با نیازهای اجتماعی

1. Transformational Scenario.

مدرن فراهم می‌آورد. نقش رسانه‌های اجتماعی در ترویج افکار جدید و نقد ساختارهای سنتی را نیز نباید از نظر دور داشت.

دوم: با افزایش انتقادات بین‌المللی نسبت به افراط‌گرایی و نقش وهابیت در تربیت و تأسیس گروه‌های تکفیری، عربستان ممکن است تلاش کند که چهره‌ای میانه‌رو و سازگارتر با جامعه جهانی از خود نشان دهد. این امر می‌تواند به کاهش پایبندی به تفاسیر سخت‌گیرانه وهابیت و انزوای آنان منجر شود.

سوم: تلاش برای فهم عمیق‌تر از دین و علاقه‌مندی به مکاتب کلامی مطرح در جهان اسلام موجب تضعیف بنیادهای وهابیت می‌شود. از این‌رو افزایش مطالبات اجتماعی در برابر تفسیرهای سخت‌گیرانه و تندروانه وهابیت از دین و در نتیجه افزایش فشارهای سیاسی بر روی این جریان محتمل است.

ب: موانع

اول: نفوذ عمیق وهابیت در ساختار مذهبی و حاکمیتی که با مقاومت شدید برای حفظ خود، به تغییرات و تحولات جدید اجازه ظهور و بسط در جامعه نمی‌دهد.

دوم: تشدید برخوردهای سیاسی و سرکوب جنبش‌های غیر وهابی از جانب حکمرانان سعودی که به دنبال حفظ وضعیت موجود است.

سوم: باورها و تعصبات وهابیت و عدم پذیرش و تحمل تفاوت‌ها و ضرورت‌های جدید در اندیشه اسلامی که هر گونه تغییر را تهدیدی برای هویت خود می‌دانند.

پیشنهاد راهبردها

برای فهم آینده وهابیت، وجود استراتژی و راهبرد مشخص ضرورت دارد تا بر اساس ارزش‌های ناب اسلامی، چارچوب و اصولی علمی، محور برنامه‌های مواجهه با وهابیت قرار گیرد تا ضمن مهار و محو فتنه وهابیت، از شکل‌گیری فتنه‌های شیطانی دیگر جلوگیری شود.

فقدان یک نقشه راه مشخص، واکنش‌های انفعالی و عاطفی را در پی خواهد داشت و خشونت، تنش و کشتار را فزونی می‌بخشد و فرصت مدیریت تولید بحران جدید را برای وهابیت فراهم می‌آورد. بدیهی است در تدوین راهبرد مواجهه با وهابیت، به صورت



کلان، ضمن واکاوی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی پیدایش فرق انحرافی، روش‌ها و ابزارهای شیطانی آنان در ایجاد اختلاف و فتنه بررسی می‌گردد؛ زیرا حرکت شیطان به وهابیت منحصر نیست و با زوال این جریان، پدیداری جریان‌های کژ و شیطانی با عنوان دیگری محتمل است.

با درنگ در سناریوی چهارم دیتور، وهابیت به حاشیه خواهد رفت و سقوط خواهد کرد و با برجیده شدن طومار این تفکر، دیگر ستونی برای آن باقی نخواهد ماند، همان‌گونه که تفکرهای مشابه دیگر سقوط کردند. مدل این آینده‌پژوه برای تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به ما کمک کند تا آینده وهابیت را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهیم. در این راستا ضرورت دارد با درنگ در سناریوهای ترسیمی، نکات ذیل در راهبردهای مواجهه با وهابیت مدنظر باشد.

تکیه بر تضاد ادعای سلفی‌گری وهابی با اصول سلف

سلفی‌گری به معنای پیروی از مذهب سلف سه قرن نخست و التزام بر راه و حرکت آنان در زمینه ایمان و اعتقاد است.^۱ در مواجهه با وهابیت، این حرکت انحرافی را باید در تضاد با اصول و باور سلف دانست و بر عدم مصادره این عنوان از سوی آنان تأکید کرد. آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام از این منظر، وهابیان را به چالش می‌کشاند و معتقد است سلفی‌گری اگر به معنای اصول‌گرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیای شریعت و نفی غرب‌زدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان و مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی، سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریسم و بی‌دینی خواهد شد.^۲

محمد غزالی (م ۱۹۹۶ق) ضمن نقد وهابیت، از نقش دشمنان اسلام در هموار کردن فضا برای ایشان یاد می‌کند و در نگاه او، اسلام ترسیمی از سوی آنان، نه تنها جذابی

۱. القوسی، مفرح، المنهج السلفی، ص ۴۱.

۲. خامنه‌ای، سید علی، «خطبه‌های نماز جمعه تهران»، ۹۰/۱۱/۱۴.

نداشته، بلکه سبب دوری از آن و مقدم کردن هر نحله‌ای بر دین اسلام می‌شود.^۱ اندیشهٔ ترسیمی وهابیت از اسلام و همچنین عملکرد منفی ایشان به‌گونه‌ای است که در نگاه حامد الگار، وهابیان اصول تعلیمات اسلام را کاملاً وارونه جلوه دادند.^۲

توجه به مکاتب سنی مخالف وهابیت

فقر نظری و مشی افراطی وهابیت، زمینهٔ تقویت جبههٔ رقیبان و مخالفان هم‌مذهب آنان را فراهم ساخته است. در میان اهل سنت، به جز ظرفیت جاری و گسترده در اشاعره که جریان فکری غالب اهل سنت به‌خصوص در شافعی‌مذهبان را تشکیل می‌دهد، سه طیف «ماتریدی»، «صوفی» و «نواعترالی» به عنوان جبههٔ مقابل وهابی‌گری به عنوان یک فرصت، مطرح است که با وجود تفاوت‌های خاص، هر یک از اقبال خاصی در جهان اسلام برخوردار بوده و در آینده می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کنند.

اشاعره و ماتریدیه مهم‌ترین مکاتب کلامی اهل سنت را در دورهٔ معاصر با پیشینه‌ای کهن شکل می‌دهند و اکثر پیروان مذاهب اربعهٔ فقهی و جریان‌های طریقتی و صوفی سنی نیز ذیل این دو مکتب کلامی جای می‌گیرند و به اذعان وهابیت، امروزه اکثریت اهل سنت اشعری مذهب هستند؛ «آن اکثر اهل الأمصار الیوم اشعریه»^۳ از این‌رو وهابیت و رای ایشان بوده و تقابل و چالش جدی میان طیف عظیم اهل سنت و اقلیت وهابی وجود دارد. بر این محور، اشاعره و ماتریدیه معاصر با اندیشهٔ وهابیت ناسازگارند و تلاش‌های بسیاری در جهت انتشار میراث کلامی متکلمان برجستهٔ اشعری و ماتریدی در ترکیه و مصر و سایر کشورهای اسلامی با هدف تضعیف محور وهابیت آغاز شده است و بسیاری از متفکران سنی با صراحت به مقابله با افکار وهابیت پرداخته‌اند.

بسیاری از پیروان دو مکتب اشعری و ماتریدی در دورهٔ معاصر از پیروان یکی از طریقت‌های صوفیانه نیز هستند و این گرایش بر شکاف و اختلاف متقابل با وهابیت افزوده است. وهابیان بر این نکته اذعان دارند؛^۴ از این‌رو درنگ در این نکته به‌ویژه در

۱. غزالی، محمد، تراثنا الفکری فی میزان الشرع و العقل، ص ۵۰.

۲. الگار، حامد، وهابیگری، ص ۶۰.

۳. علماء نجد الأعلام، الدرر السنیه فی الأجوبة النجدیه، ج ۱، ص ۳۶۲.

۴. «اقد أصبح كثير من متأخري الأشاعرة والماتریدیه على الطرق الصوفیه فأصبح مذهبهم مقرون بالصوفیه ولا تكاد تری أشعریاً ولا ما تریدياً إلا وهو صوفی إلا ما ندر». (غامدی، خالد بن علی المرضی، نقض العقائد الاشاعره و الماتریدیه،



مطالعات شبه‌قاره هند ضروری است. در عربستان، صوفی‌های مالکی به رهبری محمد بن علوی مالکی (م ۱۴۲۵ق) با نگارش آثار متعددی همچون «مفاهیم تجب أن تصحح» و «التحذیر من المجازفة بالتکفیر» به نقد جریان وهابی پرداخته است و در مقابل نیز وهابیان کتابی در نقد وی با نام «حوار مع المالکي في رد منکراته وضلالاته» منتشر کردند. البته وهابیان حجاز، او را به دلیل دعوت به شرک و منکرات و دوری از مسلک سلف، تکفیر نمودند و کتاب «حوار مع المالکي في رد منکراته وضلالاته» با مقدمه بن‌باز در سال ۱۴۰۳ق منتشر گردید. در مصر معاصر، صوفیان به عنوان یک فرقه رسمی مستقل، فعالیت گسترده‌ای دارند؛ شورای عالی صوفیان، عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری رسمی این گروه تلقی می‌شود. بعد از انقلاب مصر، صوفیان با انگیزه رقابت با وهابیان از انزوای خود خارج شده و به ترویج افکار خود پرداختند. این رقابت‌ها البته به درگیری‌های اعتقادی میان دو طرف نیز منجر می‌شد؛ صوفی‌ها اعتقاد داشتند که وهابی‌ها به دنبال ترویج افکار تکفیری در مصر هستند.

تلاش معتزلیان جدید بر کشاندن عقلانیت به حوزه دین را می‌توان یک حرکت نواندیشی در میان اهل سنت برشمرد و با توسعه و بسط جریان نومعتزله، و به میزان اقبال جامعه اهل سنت به سمت عقلانیت، فاصله از اندیشه وهابی شکل خواهد گرفت و چنین تفکر عقلانی نزدیکی به اندیشه عقلانی معتدل شیعی را نیز به دنبال خواهد داشت. نومعتزلیان علاوه بر رویکرد عقلانی به مبانی دینی و توجه به کار معتزلیان قدیم در این باب، دست به ارائه تفسیرهای جدید از آموزه‌های دینی زدند که این آراء لزوماً مطابق با آراء معتزلیان قدیم هم نیست و حتی گاهی آن را به نقد هم می‌کشند. اما در اصولی مانند آزادی اختیار آدمی و نفی جبرگرایی با آن‌ها مشترکند. عناصر اندیشه‌ای این گروه که به نومعتزلیان شهره‌اند، بر آراء و اندیشه‌های امین الخولی (م ۱۳۸۶ق) و محمداحمد خلف الله استوار است. حسن حنفی، شاگرد احمد خلف الله، به ارائه مدون و منسجم آن پرداخته است. پایه‌گذاران جنبش نومعتزلیان در مصر و کشورهای عربی با تأسیس مکتب ادبی در تفسیر و نگاه ویژه خود به قرآن، توانستند راه تفسیرهای عقل‌گرایانه را برای قرآن باز کنند. هرچند که انحطاط نومعتزله به دلیل افراط در

عقل‌گرایی، تأویل متون دینی و نقد جدی صحابه، دور از نظر نیست؛ دلایلی که معتزله را به زوال کشاند.

لزوم توجه به تعارضات درونی وهابیان

در میان جریان‌های تکفیری، تعارضات درونی متعدد، آشکار و پنهانی وجود دارد که مطالعه و بررسی آن ضروری است. در گذشته، بحث وهابیت یک جریان بسیط و کاملاً واحد بوده است و حول محور افکار محمد بن عبدالوهاب و حول مباحثی چون توحید و شرک، ایمان و کفر، سنت و بدعت و حیات برزخی می‌گشت، لیکن در دهه‌های اخیر تنوع و تکثر در اندیشه‌های وهابیت پدید آمد و وهابیت از حالت بسیط بیرون آمد و با حفظ اصول و مبانی مشترک برگرفته از محمد بن عبدالوهاب، به شعبه‌های مختلف تقسیم شد؛ توجه به این تقسیم‌بندی در درونی‌سازی نقد وهابیت بسیار مهم است. همچنین جریان حاکم وهابی عربستان اصرار دارد با استفاده از ثروت و رسانه‌های دولتی، منحصراً خود را «سلفی راستین» و دیگران به‌ویژه سلفی‌های اصلاحی مانند اخوان المسلمین را دچار انحراف از شیوه سلف قلمداد کند. از این‌رو درنگ و مطالعه و بررسی جریان‌های مدعی سلفیت ضرورت دارد.

در نقد وهابیت می‌توان بر نگاه انتقادی اخوان المسلمین مصر بر ضد وهابیان و همچنین ظرفیت دیوبندی‌ها در شبه‌قاره هند در نقد وهابیت بهره جست؛ موضع شفاف خلیل احمد سهارنپوری یکی از علمای دیوبندیه در بیان دستگاه فقهی، کلامی و طریقی خود و همچنین دیدگاه صریح وی نسبت به وهابیت، نمونه‌ای از تقابل جاری در شبه‌قاره هند است. او با صراحت اعلام می‌دارد که «إنا بحمد الله ومشايخنا وجميع طانفتنا مقلدون للإمام أبي حنيفة في الفروع ومتبعون لأبي الحسن الأشعري وأبي منصور الماتريدي في العقيدة، منتسبون إلى الطرق الأربعة الصوفية العلية»^۱ و از سویی دیگر در کتاب مهم «المهند علی المفند» در پاسخ به این پرسش که «آیا شما وهابی هستید یا سنی؟» بیان می‌دارد که «ما اهل سنت و جماعتیم و در برخی موارد، با آنچه در نامه‌های شما از عقاید وهابیت شمرده شده است، مخالفیم».

۱. سهارنپوری، خلیل احمد، عقائد علماء أهل السنة الديوبندية (المهند علی المفند)، ص ۳۳.



تبیین نسبت اسلام‌هراسی و وهابیت

پدیده اسلام‌هراسی که به ترس و پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در برابر اسلام و مسلمانان اشاره دارد، در دهه آخر قرن گذشته و به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م در ادبیات نظام سلطه به کار رفت و حتی به ترس و نفرت از همه مسلمانان منجر شد. با این نگاه سوء که اسلام فاقد ارزش مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست و در مقایسه با غرب در موقعیتی فرودست قرار دارد.

وهابیت با تأکید بر تفاسیر خاص از اسلام و در میدان عمل، در ایجاد و تقویت اسلام‌هراسی نقش مهمی داشته است. ترویج افکار افراطی و ارتباط آن با گروه‌های تروریستی باعث ایجاد نگرش‌های منفی در جوامع مختلف به سمت اسلام و مسلمانان شده است.

جریان وهابی که از سوی غربی‌ها با عناوینی مختلف همچون جهادی‌های اسلامی، تروریست‌های اسلامی و بنیادگرایان اسلامی نامیده می‌شوند، تصویری خشن و مخدوش از اسلام را به افکار عمومی جهان ارائه داد.

یکی از معروف‌ترین نمونه‌های خشن وهابی‌گری، گروه القاعده و داعش است. پیامدهای منفی بسیاری نه تنها برای غرب بلکه برای کل جریان بازگشت به اسلام و جریان ضدیت با غرب داشته است و تداوم این وضعیت حتی جهان اسلام را تهدید خواهد کرد و زمینه ورود غرب به قلمرو سرزمینی مسلمانان می‌شود.^۱

خسونت، آشکارترین مشخصه وهابی‌گری است و این طیف را می‌توان آینه خوارج در دوره معاصر دانست؛ دو طیف از منحرفانی که شیطان رفتارشان را آراسته است و تنها خود را مسلمان واقعی می‌انگارند و دیگران را از دم تیغ تکفیر می‌گذرانند.

وهابیان از آغاز شکل‌گیری و دوره استقرار، در پرتو حمایت دولت استعماری انگلستان و سپس آمریکا، کشتارهای متعددی را سامان دادند، به گونه‌ای که در تاریخ وهابیان هیچ جنگی با دشمنان و کفار و در نیم قرن اخیر با رژیم صهیونیستی نداشته‌اند. وهابیان که با عناوین دیگر اما با تکیه بر بنیادهای فکری وهابیت، محور فعالیت خود را داخل دایره مسلمانان و به‌ویژه شیعیان قرار داده، به مسلمان‌کشی تشنه‌اند، هرچند که

۱. هرسیج، حسین و تویسرکانی، مجتبی، چالش‌های وهابیت، ص ۲۴۲.



دامنهٔ این خشونت در سال‌های اخیر، مسیحیان سوریه و عراق و ایزدی‌های عراق را نیز شامل شد و داعش به‌عنوان تبلور عینی وهابیان به کشتار مردان و به‌کنیزی بردن زنان و حتی فروش آنان نیز اقدام کردند.

توجه به این مهم که وهابیت ابزاری برای استعمارگران به منظور موجه جلوه دادن اسلام‌هراسی است و آنان سعی دارند برای مقابله با خیزش اسلام‌گرایی، وهابیت را به عنوان نماد اسلام معاصر جلوه داده و از این تصویر خشن و وارونه از اسلام، به‌گسترش پدیدهٔ اسلام‌هراسی، جلوه‌ای دینی و قانونی دهند.

تقویت گفتمان تقریب مذاهب اسلامی

تأکید بر تعمیق شناخت مذاهب اسلامی از یکدیگر، حفظ و پررنگ شدن مشترکات، ترویج گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی، بحث آرام در مسائل اختلافی و پرهیز از تنش، به‌عنوان محورهای تقریب مذاهب، حرکتی عقلانی برای وفاق در برابر وهابیت است؛ موضع‌گیری تقریب مصر در برابر کتاب «الصراع بین الاسلام و الوثیئه» نمونه‌ای از ثمردهی این وفاق است.

وهابیت به‌عنوان مه‌رۀ مؤثر در پیشبرد اهداف نظام سلطه در جهان اسلام، در برجسته کردن نقاط افتراق میان شیعه و سنی و نفی تقریب تلاش می‌کند. آنان با نادیده گرفتن اختلافات فراوان خود با اهل سنت، در پی هم‌گرایی در میان آنان هستند تا در گام نخست به محو شیعه پردازند و بعد به حذف رقبای درون‌مذهبی پردازند. در این راستا شکل‌گیری یک اجماع جهان اسلامی امری لازم است تا تحقق آرمان تقریب و وحدت امت اسلامی، روح همکاری میان مسلمانان و پایداری در مقابل دسیسه‌ها تقویت گشته، توطئهٔ نظام سلطه در دسته‌بندی و ایجاد تفرقه میان مسلمانان، تضعیف و حتی خنثی می‌گردد.

اصلاح نگرش غلط از تشیع

جهان اسلام تصویر روشنی از تشیع امامی ندارد و تصویر ارائه‌شده از این مذهب، غالباً از زاویهٔ وهابیت و با اتکا بر تبلیغ وسیع آنان، غیرواقعی و تحریف‌شده است. وهابیت به‌عمد تلاش می‌کند که مذهب امامی را با غالیان یکسان بیانگارد و به بسط آن خلط



اشتباه پرداخته، شیعیان را از دایرهٔ مسلمانان خارج سازد؛ هویدی تأکید دارد یکی از محورها و طرح‌های اساسی در اندیشهٔ وهابیت، کافر دانستن شیعیان است.^۱ الواحد وافی، متفکر مصری، نیز اذعان دارد که بسیاری از نویسندگان ما بین شیعیان جعفری و سایر گروه‌های شیعه خلط کرده‌اند.^۲

وهابیان ضمن برجسته کردن اعتقادات غالیان، آن را منسوب به شیعهٔ امامیه کرده و با این ابزار به دروغ‌پراکنی خود می‌پردازند. محمد غزالی ضمن آسیب‌شناسی کسانی که شیعه و غالیان را یکسان می‌انگارند، معتقد است که آنان «از روی تهمت و برای انتقام‌گیری از شیعه، اعتقاد به تحریف و کاسته شدن از آیات قرآن را به شیعه نسبت می‌دهند.»^۳

هر گاه متفکری در جهان اسلام بر خلاف تفکر غالب وهابیت، به شناخت واقعی مذهب شیعه از منابع اصیل آنان پرداخت و آن را با نحله‌های دیگر تمییز داد، نگاه صائبی به این مذهب یافته، حتی به دفاع از آن پرداخته است؛ آن‌گونه که برخی از عالمان و متفکران سنی این رویکرد را اتخاذ کردند. دکتر حامد حنفی داود، ادعای کسانی که فکر می‌کنند با استفاده از کتاب‌های مخالفان تشیع به عقاید، علوم و آداب شیعهٔ امامیه دست یافته‌اند، اشتباه دانسته، و با توجه به تجربهٔ مطالعاتی خود از تشیع، این راه را بیراهه قلمداد می‌کند. او با تأکید بر «مسئلهٔ رعایت امانت علمی»، بررسی مذهب شیعه را تنها با استفاده از کتاب‌های بزرگان شیعه آغاز و سپس عقاید این فرقه را از میان نوشتار بزرگان، پژوهشگران، محققان اندیشمند و منتقدان ژرف‌نگر شیعه باید جست.^۴ اصلاح نگرش غلط از تشیع، تلاش مضاعف متفکران و نویسندگان شیعی را نیز می‌طلبد تا تصویر روشنی از عقاید مذهب امامی را به جهان اسلام ارائه کنند.

درونی سازی مواجهه با وهابیت

وهابیت یکی از کانون‌های مهم شبهه‌ساز در مواجهه با مذاهب اسلامی سنی و شیعی

۱. هویدی، فهمی، ایران من الداخل، ص ۳۲۲.

۲. وافی، علی عبدالواحد، بین الشیعة و السنة، ص ۱۱.

۳. غزالی، محمد، لیس من الاسلام، ص ۴۸.

۴. مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، ص ۲۰.

در سدهٔ اخیر است و بسیاری از متفکران در قامت مدافع باورهای خود، بیشترین تلاش را در جهت پاسخ‌گویی به شبهات آنان داشته‌اند. گاه لازم است با رویکردی متفاوت و با هدف به چالش کشاندن رقیب، مواجهه و آرایش هجومی طراحی شود و از این‌رو، هجوم به کانون‌های شبهه‌ساز معنی می‌یابد تا در پرتو این یک حرکت علمی تهاجمی، دشمن به جای مدیریت شبهه‌افکنی، وادار به پاسخ‌گویی شود. در این رویکرد فعال، حریف در موضع انفعال خواهد گرفت و تلاش خود را در جهت پاسخ خواهد داد.

بی‌شک برای تغییر موضع از انفعال به فعال، توجه به روش‌شناسی مواجهه ضرورت دارد تا ضمن توجه به مزایا و معایب هر روش، روشی معیار و اثربخش برای مواجهه با وهابیان و رسیدن به حقیقت تبیین گردد؛ یکی از روش‌های مهم را می‌توان مواجههٔ درونی با وهابیت و بهره‌مندی از ظرفیت دو مکتب کلامی اشاعره و ماتریدیه در جهان اهل سنت که به نوعی با گرایش صوفیانه آمیخته است، اقدام نمود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب آینده‌پژوهانهٔ جیمز دیتور، به تحلیل سناریوهای محتمل آیندهٔ جریان فکری-سیاسی وهابیت معاصر پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آیندهٔ این مکتب در میانهٔ میدانی پیچیده از نیروهای درونی و بیرونی شکل خواهد گرفت. از یک سو، تحولات درونی عربستان سعودی، از جمله پروژهٔ اصلاحات محمد بن سلمان و تقابل یا همکاری نهاد دین رسمی با این تغییرات، و از سوی دیگر، فشارهای بین‌المللی، تحولات اجتماعی جهان اسلام و رقابت فکری با سایر مکاتب اسلامی، عوامل تعیین‌کننده‌ای در ترسیم مسیر پیشرو هستند.

بر اساس این تحلیل، آیندهٔ وهابیت را نمی‌توان در قالب یک مسیر خطی و قطعی تصور کرد، بلکه باید آن را در گستره‌ای از احتمالات گاه متضاد جست‌وجو کرد. در یک سوی این طیف، سناریوی «وهابیت اصلاح‌شده» قرار دارد که در سایهٔ فشارهای داخلی و خارجی، به بازتعریف میانه‌روانه‌تر و همسوتر با جهان معاصر روی می‌آورد. در سوی مقابل، سناریوی «افزایش افراط‌گرایی» به عنوان واکنشی طبیعی جریان‌های تندرو در برابر اصلاحات سکولار حکومت سعودی قابل تصور است که می‌تواند امنیت منطقه را



با چالش‌های جدیدی مواجه سازد. سناریوی «تداوم وضع موجود» نیز بر بقای نسبی این جریان به عنوان نهادی سنتی اما تطبیق‌پذیر در ساختار قدرت عربستان دلالت دارد. در نهایت، سناریوی «دگرگونی و واگرایی»، رادیکال‌ترین تحول را ترسیم می‌کند که در آن، برآمدن گفتمان‌های فکری رقیب و عقلانیت‌گرایی در درون جهان اسلام، به تدریج بنیادهای فکری وهابیت را به حاشیه می‌راند.

جمع‌بندی نهایی این تحقیق حاکی از آن است که تحول در وهابیت، چه به سمت اعتدال و چه به سمت افراط، تأثیرات شگرفی بر مناسبات مذهبی و سیاسی جهان اسلام خواهد گذاشت. برای مدیریت این تحولات و کاهش پیامدهای منفی آن، ضروری است راهبردهایی هوشمندانه و چندوجهی اتخاذ گردد. این راهبردها می‌بایست بر محوریت تقویت گفتمان‌های اسلامی رقیب و نقد بنیادین ادعاهای تاریخی وهابیت، ترویج گفت‌وگوی بین‌مذهبی و تقویت وحدت جهان اسلام برای خنثی‌سازی سیاست‌های تفرقه‌افکنانه، اصلاح تصاویر تحریف‌شده از مذاهب دیگر در ادبیات تبلیغاتی وهابیت و تبیین نقش آن در دامن زدن به پدیده «اسلام‌هراسی»، و در نهایت، رصد مستمر تحولات درونی وهابیت و بررسی شکاف‌ها و تعارضات میان جریان‌های مختلف مدعی سلفیت استوار باشند. در پایان می‌توان تأکید کرد که فهم آینده وهابیت، مستلزم خروج از تحلیل‌های تک‌بعدی و بهره‌گیری از چارچوب‌های جامع آینده‌پژوهانه است تا زمینه برای تدبیر هوشمندانه در قبال این جریان تأثیرگذار فراهم آید.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. بهاری، مجتبی، مجموعه کتابچه‌های آموزشی آینده پژوهی: کتاب سوم: روش سناریو، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۹۱ش.
۲. بهروزی لک، غلامرضا؛ جاویدی، رقیه، سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی؛ ش ۳۲، ص ۱-۳۰، ۱۳۹۶ش.
۳. پدرام، عبدالرحیم و همکاران، آینده‌پژوهی: مفاهیم و روش‌ها، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۸۸ش.
۴. سهارنپوری، خلیل أحمد، عقائد علماء أهل السنة الديوبندیة (المهتد على المفتد)، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۵. طباطبائی، محمدحسین، المیزان في تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
۶. علماء نجد، الدرر السنية في الأجوبة النجدية، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۱۱ق.
۷. غامدی، خالد، نقض العقائد الاشاعره والماتريديه، ریاض: داراطلس الخضراء، ۱۴۳۰ق.
۸. غزالی، محمد، تراثنا الفکری في ميزان الشرع والعقل، مصر: دار نهضة، ۱۹۹۱م.
۹. غزالی، محمد، ليس من الاسلام، قاهره: دار الشروق، ۱۴۱۸ق.
۱۰. قوسی، مفرح، المنهج السلفی، ریاض: دار الفضيله، ۱۴۲۲ق.
۱۱. الگار، حامد، وهاييگري، ترجمه: احمد نمايي، مشهد: بنياد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۱۲. مالکی، محمد، التحذير من المجازفة بالتكفير، بی‌جا: بی‌تا.
۱۳. مطهری، مرتضی، اسلام و سرنوشت، تهران: انتشارات صدرا، ۱۴۰۱ق.
۱۴. مظفر، محمدرضا، عقائد الامامية، مقدمه علامه حامد حنفی داود، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۵. وافی، علی عبدالواحد، بين الشيعة والسنة، مصر: دار نهضة، بی‌تا.
۱۶. هرسیح، حسین و مجتبی تویسرکانی، چالش‌های وهابیت، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۲ش.
۱۷. هویدی، فهمی، ایران من الداخل، قاهره: مرکز الأهرام للترجمة والنشر، ۱۴۰۸ق.

